



# آریانا افغانستا آنلاین

ملا، سارساوا، ابرو، ویتاپانه

<http://www.arianafghanistan.com>

عنوان مضمون: خطوط اساسی یک صلح پایدار در افغانستان

اسم: نور احمد خالدی محل سکونت: North Lakes تاریخ: 02.03.2019

محترم نعیم بارز

تبصره اخیر شما بسیار مرا متعجب ساخته است. شما چند سوال کردید و من صادقانه پاسخ دادم. در اینجا موضوع انتقاد پذیری اصلاً مطرح نبود. کدام انتقاد؟  
وقتی نوشتم "افغانستان نیز قابلیت نظامی عمل بالمثل را ندارد" منظورم عمل برضد پاکستان در خاک پاکستان بود که شما متوجه نشدید. اگر شما پیشنهاداتی برای بهبود طرح من دارید بنویسید تا در نظر بگیرم.

اسم: Dr. Sayedi محل سکونت: UK تاریخ: 01.03.2019

سلام  
برداشتن چنین است که پاکستان برای افغانستان هیچ حکومت نمی خواهد و پاکستان طالب را وسیله مانند دست پاک بخاطر رسیدن به اهداف دور و نزدیک خویش بکار برده و میبرد.  
پاکستان حتی حکومت استاد ربانی را که در پاکستان ایجاد شده بود عملاً نه پذیرفت.  
دوم در صورتیکه تمویل، تجهیز و مساعدت های استخباراتی پاکستان نباشد طالب در برابر نیرو های ایجاد شده در افغانستان تاب مقاومت ندارند. آنهاییکه سبب بی امنیتی و وخامت وضع در افغانستان شده اند تنها طالب نیستند.  
حرکت طالب به تنهایی بدون تمویل هوشیارانه خارجی یعنی پاکستان قدرت اداره و اعمار افغانستان را نه خواهد داشت.  
توافق امریکا با طالبان در غیاب حکومت کابل و از جمله خروج امریکا و جهان بدون تضمین های از عدم مداخله پاکستان تخلف امریکا به تعهدات و توافقات رسمی اش با جانب افغانی است و این قبل از همه به حیثیت امریکا برمیخورد. پایان بی پایان

اسم: محمد نعیم بارز محل سکونت: پاریس تاریخ: 28.02.2019

محترم آقای نور احمد خالدی سلام!

نوشته شما را به پاسخ نوشته خود دریافتیم. قبل از این برداشتم از شما این بود که ممکن است بر «طرح» تان یگان نقد و نظری از من و دیگری را هم بپذیرید، اما معلوم شد که یک کلمه هم انتقاد پذیر و حاضر به بحث تو ام با استدلال نیستند.  
1- اینکه گفته اید: «هدف پاکستان به قدرت رساندن طالبان است» درست. این را همه می دانند، اما اینکه می فرمائید پاکستان «برای حمایت از طالبان از جانب شرق و غرب تحت فشار قابل ملاحظه نیست» . حرفی است که فقط خود به آن باور دارید و الی همه می دانند که دولت پاکستان از طرف امریکا، سازمان ملل متحد و کشور های مهم غربی تحت فشار است، حد اقل این را میدانید که از مدت دوسال بدینسو کمک های میلیاردها دالری امریکا به پاکستان به حالت تعلیق قرار گرفته است و دولت پاکستان و ایران با حمایت از تروریسم منفور جهان شناخته شده اند.  
2- شما می گوئید افغانستان قابلیت نظامی بالمثل با طالبان را ندارد. این حرف عجیبی است! کشوری که ده سال توان مقاومت در برابر تجاوز ابرقدرت شوروی را داشت. در برابر طالب و پاکستان چگونه ندارد و نخواهد رزمید؟  
گفته اید «همین حال طالبان 22 ولسوالی را در کنترل خود دارند و ده ها ولسوالی دیگر را تهدید می کنند»  
اگر شما برای آنها این قدر قدرت قایل هستید. چرا یک ولایت را نمی گیرند و به پایگاه دائمی خود مبدل نمی کنند؟ بار ها معلوم شده است که دولت توانایی رهایی هر ولسوالی را در خود دارد، اما گرفتن و حفظ هر روستای کشور که از سوی طالبان مزدور دولت پاکستان، ایران و روسیه حمایت و رهبری می شوند چنین تجویز شده که نباید تلفات زیادی به مردم ملکی برسد و الی اگر جان مردم بیگناه در میان نباشد دولت قادر است در یک روز همه مزدوران را تار و مار نماید.  
3- نوشته اید که: «ضمانت هیچ جانب را نمیتوان اعتماد کرد» پس چرا از زمانت های که اعتبار ندارد و واقعاً هم اعتبار ندارد سخن می زنید؟  
فکر می کنم با کسی که حاضر نباشد یک کلمه حرف انتقاد آمیز دیگران را بشنود، نمی شود همه جانبه و آزادانه با وی، وارد بحث شد. از سوی دیگر موضوع رسیدن به صلح در افغانستان از صلاحیت فردی، آنهم افراد مثل من و شما کاملاً دور است. با احترام

اسم: Dr. Salah. S. محل سکونت: UK تاریخ: 28.02.2019

اگر مشروعیت حاکمیت از ملت و از اراده ملت و در حالت ما اکثریت مطلق ملت مسلمان است و این را قبول کنیم، نقش علماء، روحانیون و پیشتازان جامعه را در انتخاب ملت مؤثر و عمده دانسته، اما به تعویض ملت توسط توسط ایشان باور نداریم، رسیدن به قدرت سیاسی را از زور، جبر، الحق لمن غلب، بئن چارم و معامله در غیاب ملت ندانیم، منافع و مصالح علیای کشور را اولویت میدهیم و قبول داریم و آنرا امر جدی میدانیم و خطوط اساسی کار دانسته و اصل ارزشهای ملی و ارزشهای مردم ما را اساس میدانیم و در شرایط ما به ارزشهای ملت عظیم مجاهد پرور باور داریم این همان قدم اول اساسی است که به صورت شفاهی و تحریری باید به آن متعهد شد و در راه صلح، استقرار و تفاهم ملی قدمهای بعدی برداشت.

این توافق ابتدایی زمینه ساز توافقات بعدی شده میتواند و است.

این کار همان برداشت قدم اول است که در وطن و منطقه خویش در تأمین صلح و استقرار و حاکمیت مردم مانند پله اول و ضروری برداشته ایم.

رسیدن به قدرت سیاسی از راه انقلابها و نفیہ کامل گذشته راه و روش انقلابی است که موجب تأثیرات غیر قابل قبول جانبی شده و به منافع ملی سازگاری ندارد، تعلیق قانون و انارشی میشود.

برای رفتن به چنین توافق ابتدایی جهت رسیدن به توافقات بعدی بعد از این توفقات ابتدایی ممکن است.

ما باور داریم که اگر افغانها را تمام جوانب یعنی پاکستان، ایران، امریکا، هند، چین و روسیه به حال خود بگذارند و مجریان امور خود افغانها شوند و از خارج مورد حمایت غیر مشروع قرار نه گیرند، افغانها میتوانند باهم در مرحله اول به اصول فوق توافق کنند که درین صورت نه ضرورت به عسکر امریکایی و نه هم اروپایی و نه هم پاکستانی و ایرانی است.

اما حال که عده به زور پاکستان و عده به زور ایران و روس و عده به زور امریکا در افغانستان مطرح اند و حال تمام جوانب به خواست ملت افغان مکلف به لیبیک اند، چطور شد که به آن مرحله مطلوب رسید؟

و حال که حرکت طالب صرف به جانب امریکایی مینشیند و حاکمیت کابل و افغانی را نفیہ میکند، چه باید کرد؟  
راه حل:

میز مدور گرد در رابطه به مذاکرات صلح تمام افغانها و نظارت جامعه جهانی تحت نام مذاکرات صلح بین الافغانی، مرحله به مرحله در هر جای که مناسب همه باشد به استثنای پاکستان و هند. درین نشست ها کار برای تعهد به تعهدات مقدماتی فوق، مرحله اول. درین نشست ها حرکت طالب، حکومت و نمایندگان تمام احزاب سیاسی راجستر شده در افغانستان به شمول حزب اسلامی و جمعیت اسلامی با یک الی ۷ تن نماینده اشتراک نموده و بر مبادی فوق توافق تحریری کنند.

درین نشست تاکید و ذکر مذاکرات طالب و حکومت کابل و با نماینده های سیاسی کشور در مقابل طالب نباشد!

این مذاکرات بین الافغانی بخاطر توافق بر اصول فوق و تعیین میکانیزم انتخابات آزاد و شفاف در افغانستان شود. برای آنها فرصتهای بعدی و توافقات صورت گیرد توافقات اولی را قبول دارند!

درین تفاهمات وسیع بعد از توافقات اولی بر اصول ابتدایی کمیته و تیم تسوید قانون اساسی افغانستان که در سه ماه آینده قانون اساسی کشور را جهت تصویب بپیکش کند، نیز شامل شده میتواند.

نظارت از تطبیق فیصله های و توافقات توسط کمیته متشکل این تیم مذاکره کننده که در خلاف به منافع علیای کشور نباشد صورت میگیرد.

این یک خاکه و مقدمه برای قدمهای بعدی و راه حل و توافقات حل مسایل کشور برای رسیدن به صلح و استقرار و اقدامات بعدی شده میتواند و است. اگر جانب این اصول اولی را نمی پذیرد قدمهای بعدی را ناممکن میسازد و راه جنگ در برابر همه را انتخاب میکند.

چنین است قدم اول کار و میکانیزم زمینه ساز برای قدمهای بعدی! هر توافق اساسی دیگر به شمول سکیجول خروج نیروهای جامعه جهانی، نفیہ حاکمیت موجود افغانی خیانت به تعهدات و توافقات بین دو دولت و کشور است، رفتن به پراگندگی و بردن به بحران افغانستان است و این را باید مانع شد.

من الله التوفیق

د. ص. سعیدی

۲۷/۲/۲۰۱۹

اسم: نور احمد خالدی محل سکونت: North Lakes تاریخ: 27.02.2019

محترم نعیم بارز تشکر از تبصره تان!

به پاسخ سوالات تان عرض کنم

۱- هدف پاکستان به قدرت رسانیدن طالبان است و برای حمایت خود از طالبان از جانب شرق و غرب تحت فشار قابل ملاحظه نیست و از کمکهای میلیارد دالری امریکا در طول ۱۶ سال برخوردار بود.

افغانستان نیز قابلیت نظامی عمل بالمث را ندارد بنابر آن هیچ فشاری بالای دولت پاکستان برای تغییر سیاست موجود نیست.

۲- بر اساس تایید دولت، طالبان ۲۲ ولسوالی را در کنترل دارند و دهها ولسوالی دیگر را تهدید میکنند.

آنها نشان داده اند که قابلیت اجرای عملیات را در هر جا دارند. این سطح نفوذ بدون موجودیت حمایت محلی برای هیچ گروهی با وجود وابستگیها به دولتهای خارجی نمیتواند میسر شود.

سیاستهای قوم پرستانه و ضد افغانی جمعیت، شورای نظار، جنبش، کانگرس پدram و حزب وحدت و متحدان آنها و حمایت آنها از زورمندان محلی مفسدین و چپاولگران تعداد زیاد مردم را به حمایت از طالبان واداشته است.

۳. ضمانت هیچ جانب را نمیتوان اعتماد کرد. توافق صلح باید در تحکیم نظام سیاسی و امنیتی طوری نهادینه شود که عدول از آن میسر نباشد. تشکر.

من با علاقمندی نوشته های با سطح و سویه بلند شما را می خوانم و از معلومات دقیق و منطقی تان استفاده می برم.

نوشته حاضر با جمع بندی کامل از مسایل داخلی و خارجی، خود نشانگر شناخت و درک عمیق شما از مسایل بوده و همین طرح حاضر تان در باب صلح بسیار ارزشمند می باشد. اما متأسفانه بعضی دوستان بیرحمانه هر طرح و ایده را در نطفه بی اعتبار جلوه می دهند که به غیر از آسیب رساندن به احساس مسؤولت و خلاقیت فرد حاصل و نتیجه مثبت دیگر در پی ندارد.

البته در نوشته شما برای من صرف سه مطلب آن جای بحث و پرسش دارد.

یک: اینکه گفته شده پاکستان حاضر است منتظر بماند و از این رهگذر هیچ عجله برای دستیابی به یک توافق صلح در افغانستان ندارد. می پرسم تا چه زمان، آیا پاکستان تحت هیچ نوع فشار اقتصادی و سیاسی از داخل و خارج قرار ندارد و هیچگاه نیاز به صلح در افغانستان نمی بیند؟

دوم: شما تلویحاً گروه طالبان را بخشی از جنبش مردم افغانستان معرفی می کنید و آن را به صورت قاطع یک گروه تروریستی و وسیله ای در دست پاکستان برای تجاوز به افغانستان معرفی فرموده اید؟

سوم: موضوع ضمانت ها از سوی طالبان، گیریم که گروه طالبان اظهار تعهد کند. آیا مورد اعتبار است؟

سلام ها!

با اظهار قدر دانی از تذکرات داکتر خالدی که ضمن توضیح و بر شمردن انگیزه های وطنی جنگ، راه های ساده تعدیل آن را به صلح با ارزیابی و وزن نمودن انواع اخبار جاری پیشنهاد نموده اند. اگر به شما راست گفت، باید به نویسنده اطمینان داده شود که به نشانی کسی که نوشته اند، وی کلید بیرون کشیدن افغانستان را از این گرداب بلعنده تشخیص داده ولی در دسترسی به این کلید ها عاجز است. تذکر تکراری و دوستانه!

تبصره های جناب حکیمی صاحب مرتبط و ، معقول و جالب توجه است، اگر به زبان های ملی نوشته شود بر تعداد فیض برداران افزوده می شود.

آریانا افغانستان آنلاین درب انگلیسی نوشتن را به رخ محترم حکیمی صاحب نمی بندد.

تبلیغات نادرست، سوء استفاده از احساسات دینی و ملی، سردادن شعارهای خوب توسط کسانی که خود عامل خرابی و شرارت در ۱۸ سال گذشته و بیشتر از آن بودند، تعهد و وابستگی عده از مسولین کلیدی افغان در حاکمیت و مخالفین به منابع استخباراتی ایران و قبل از همه پاکستان، فساد اداری و جنگ دوامدار به تقسیم غنایم، منابع مسلط خارجی مسلط به زمام افغان که صرف و صرف منافع و مصالح خود را تعقیب میدارند و ضعف مشروعیت حاکمیت افغانی که در صورت داشتن موضع اصولی و اساس ساختن منافع و مصالح افغان و لو در مطابقت به منافع مشروع متحدین خارجی بلا تأخیر در حالت خوب سبکدوش و سر به نیست خواهند شد، همه و همه دست به دست هم داده و تراژیدی ملت ما ادامه دارد.

دادن تصویر نادرست و غیر واقعی و راه علاج نادرست مبتنی بر احساسات مانند تحلیل جناب نور خالدی عوامل تمديد تراژیدی ملت افغان بخاطر است که تحلیل بدون اندکترین شناخت از منابع تیوریکی طالب و عدم شناخت از اسلام و عمق قضایا پیشکش شده و به گرسی نشانند آن نیز قبلاً از طریق مشاور امنیت رئیس جمهور تضمین گردیده.

اگر من بگویم که ماده اول تحلیل جناب نوری حقایق را عوض رفتن به عمق از کمر آغاز کرده و من مخالف مشروط آنم متهم به قبول استعمار، ادامه تسلط آمریکا و عساکر آن با تمام جنایات و زندان های مشروع و نامشروع می شوم و این من را در موضع خلاف احساسات ملی مردم و در مخالفت از دین مقدس اسلام و افکار مشروع جهادی رهایی از تسلط عسکر کفری قرار میدهد. شعاری که حداقل رهبری افقی و توده های وابسته از ملت به آن با طالب همگام و هم فکر اند.

لذا من باید مخالفت نتوانم و همگام و همزبان شعار طالب و ماده اول این تحلیل شوم که اول خروج عسکر خارجی و باز خواست دوم اساسی حاکمیت پاکستان که نفع حاکمیت در افغانستان است و نفع حاکمیت فعلی در افغانستان و کابل است.

من مخالف حضور نیروهای خارجی در افغانستان بودم و هستم اما حال که بدون پرسیدن از ما آمدند و ماکه در خط اول منافع و مصالح جهان قربانی می دهیم و ایران و پاکستان بر ما دندان تیز میکنند و به اندازه کافی نیرو ، اجیر و آدم در بین ما دارند، درین شرایط نفع حاکمیت کابل افغانستان، خروج عساکر جامعه بدون وجود آوردن تضمین از عدم مداخله پاکستان و ایران خطاء، غلط و نادرست است.

حکومت کابل بد است اما ما این بدی و انتقاد خود را ، حق خود میدانیم و درست نمی دانیم تامبرر نظام براندازی شویم. ما سکوت حاکمیت کابل را در برابر تجاوزات پاکستان را بر خاک افغان نکوهش میکنیم، سکوت در برابر سیم خاردار پاکستانی در داخل وطن ما را خیانت میدانیم اما براندازی نظام و حاکمیت افغان را نابخشودنی میدانیم.

انحلال اردوی خویش را که جناب عباس ستانکزی صریحاً گفت برنامه دشمن میدانیم. ترمیم بعدی سخن توسط شان قرار تمام شواهد تاکتیکی است.

اگر امریکا از افغانستان رفتنی است، برود اما باید تعهدات خود را در قبال افغانستان اجراء کند. آنها حق ندارند نظام براندازی نموده و مانع انتخابات شوند!

تحلیل جناب نور خالدی دقیقاً به این استقامت است، که جنگی بین طالب و حاکمیت شروع بود و پاکستان از آن استفاده میکند. این چنین نیست. پاکستان بانی و اساس شرارت در افغانستان است، امریکا در منطقه برنامه دارد و طالب به خواست خود و یا بدون خواست عملاً مجری برنامه ایشان شده.

در تحلیل جناب خالدی این باریکی فراموش است. در تحلیل جناب خالدی اساسی شرارت پاکستان و ایران مانند مبداء برجسته ساخته نه شده بلکه آنرا یک نیروی وارد شده در گامهای بعدی و به نحوی غیر اساسی جلوه داده و این کنه و اساس خطا است. مسأله، فاطمیون و زینبیون و... اصلاً درین نسخه کمپویری که تعداد آن کم هم نیست، وجود ندارد و مشکل را حل نمی کند!

پرداختن به تفصیل تمام نکات مرکزی فوق ایجاب نوشته عریض و طویل را دارد که به جناب نور خالدی پیشنهاد دارم تا با استفاده از رابط شخصی شان با جناب محب مشاور امنیت ملی رئیس جمهور به براه انداختن یک سیمینار و کنفرانس بین الافغانی را درین زمینه با استفاده از ملیاردها دالر دست داشته روی دست بگیرند تا آنهایکه هیچ توقع مقام و منزلت دنیوی ندارند و صرف به حیثت اولاد رسالتمند در امر خیر، صلح و سعادت انسان و افغان کمک کردن میخوانند، فرصت نظر و راهیابی ازین حالت رقتبار کشور و مردم ما شوند.

به عین الیقین گفته میتوانم که تعداد صاحب نظران و کار فهمان با عزت و مسلکی افغان که صلاحیت و توان حل معضلات و مسایل کشور را دارند زیاد است و اما با شرط گذاشتن نقل به هر کس و ناکس پرداختن و رفتن به آن نمی خواهند. در افغانستان قحط الرجال نیست!

و ها اگر فرصت داشتید از دوست خویش از شورای امنیت بپرسید آن 97 و ... مکتب بسته شده در قندهار در کدام مدت و در چه زمانی و از جمله چه تعداد از مکاتب بود تا ما ها شنونده کم و تم هم بدانیم که چه گفت و از بحث شان مفهوم گرفته بتوانیم. و اگر مقالات خویش را قبل از ابراز کردن با متخصصین فن مشوره کنند برای شان بهتر میدانم.

لغوی یکسر و فوری کارت های حمل سلاح عمل انقلابی، اقدام پولیستی و اما کنترل سلاح خواست ملت است اما چنین عمل انقلابی حیات عده را به خطر جدی مواجه میسازد.

در کل باور داریم که وضع را با قول و عمل درست میتوان به نفع صلح و به نفع مردم ما تغیر داد!  
تشکر د. ص. سعیدی

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 25.02.2019  
,Greetings

Appreciate Dr. Khalidi's recommendation mostly numbering domestic causes of war, simple ways of converting it to peace and brief sizing variety of current news. To tell you the truth, even I already know that stuff.

The author should be assured that the person he is addressing, fully aware and knows the in and out of current situation and whereabouts of keys to open the locks of Afghanistan quagmire, but too short to put a hand on them.

اسم: د. ص. سعیدی محل سکونت: انگلستان تاریخ: 25.02.2019

سلام  
برای از سر نویسی این طرح جناب خالدی نوشته ذیل نیز کمک خواهد کرد تا نقش اساسی موانع صلح و استقرار در منطقه با دقت درک و برجسته شوند:

زور امریکاست!

بلی در عالم اسباب زور امریکاست که سیاست ها به جهت استقامت داده می شوند!  
ملا غنی برادر از کادر های رهبری حرکت طالب معاون یک گروه طالب و عده ای دیگر از بزرگان حرکت طالب به شمول ملا محمد عمر آخوند زاده به علت مواضع و نظریات شان توهین، تحقیر، تعذیب، زندانی و کشته شدند که به ساز سازمان های استخبارات پاکستان و متحدین شان از طی دل نرقصیدند و یا نمی خواستند.

زندانی ساختن ملا برادر ها و غنی ملا برادر سند مشخص این بازی جنایتکارانه پاکستان بود و است. اینکه ملا برادر زندانی و تعذیب شد و بعد از زندان و تعذیب طولانی هنوز هم با محدودیت ها مواجه و اخیراً به نشست و دور جدید مذاکرات امریکا و طالب (26/2/2019-25) گذاشته نشد و اینکه توسط طیاره مخصوص در آخرین دقایق از پاکستان به دوحه جهت اشتراک به مذاکرات آورده شد، سند ادامه سیاست نجاست و شرارت عمیق مقامات و ادارات امنیتی پاکستانی است.

لعنت بر چنین استابلشمنت پاکستان که هم مردم پاکستان امروز و هم کشورهای منطقه و در رأس افغانستان را به خاک و خون کشاند!

استابلشمنت پاکستان دشمن صلح، دشمن استقرار، دشمن افغان، دشمن افغانستان بود، است و زمان ثابت کرده و ثابت خواهد کرد که دشمن باقی می ماند.

این را باید قبل از همه سیاسیون افغان نیز درک کنند که پاکستان دیگر مانند سال های هشتاد قرن گذشته فرصت نخواهد داشت که به کمک های مالی جهان اهداف سیاسی و مقاصد خویش را با امتیاز دادن به متحدین سیاسی خویش در افغانستان سوء استفاده کند. این امکان پاکستان دیگر منتفی است! بدون درک این مرحله جدید و حالات جدید اگر سیاسیون ما در تلاش کسب پشتیبانی پاکستان اند، به یقین خطا می کنند، خود را نابود ساخته و عصر خفته اند!

مردم ساکن در پاکستان امروز نیز مظلومتر از مردم افغان قربانی سیاست های غیر اسلامی و غیر انسانی استابلشمنت پاکستان و ادارات متعلق پنجابی به نام پاکستان شده اند!

بلی سیاسیون افغان که تفکیک بین مردم، حکومت ملکی و استابلشمنت پاکستانی را درک نکنند و یکسره به خوشبینی و همدردی با پاکستان کار کنند و اظهارات همدردی با پاکستان داشته باشند خودشان خود را نابود می کنند. مردم فعلی در افغانستان سخت حساس، فهم سیاسی شان منتها بلند و از عمق مسایل زیاد سیاسی در افغانستان، منطقه و جهان آگاهی دارند و صاحب نظرند!

لذا در اظهارات، رفتار و کردار باید درین موضوع جدی بود.

به این حقیقت باور داشت که مانع شدن ملا عبدالغنی برادر به اجلاس اخیر مذاکرات سیاسی در دوحه و قطر سند تأکیدی است که دشمنی استابلشمنت پاکستان در برابر صلح، استقرار و ملت افغان تغییر نکرده و نخواهد کرد!

و ما علینا الا البلاغ المبین

د. ص. سعیدی  
24/02/2019

اسم: ملالی نظام محل سکونت: ایالات متحده آمریکا تاریخ: 24.02.2019

محترم داکتر صاحب نور احمد خالدي،

بعد از عرض احترامات، آنچه را در دو قسمت مختلف نظریات تان بصورت دقیق و منسجم ارائه نموده اید، درحقیقت همه جوانب پرورده احتمالی صلح را با گروه طالبان و چگونگی حالت و انگیزه های جنگ های خونین و طولانی آنان بیان میدارد. آرزوی ملت درد کشیده افغانستان بعد از چهل سال برای دریافت یک صلح واقعی و پایدار البته که کاملاً جایز و مشروع است، اینکه این حق چگونه بدست آید، کاش به حالتی از بد بدتر میدل نگردهد.

در قسمت اول تحقیق تان، موقف پاکستان، اردوی آن، حکومت بصورت کل و حتی جوامع دینی و مذهبی آن سهم های مختلفه و جداگانه دارد. این همه وابستگی را در پهلوی این حقیقت تلخ که پاکستان با نقاب تزویر نه تنها صد ها هزار طالب را از طفولیت در مدارس دینی شستشوی مغزی داده و فقط آدم کشی، تخریب جامعه افغانی و جنایات وسیع بشری را رهنمون گردیده است، بلکه دست رسی و نفوذ هرچه بیشتر بر سرزمین به خون خفته ما به هر قیمتی که میسر گردد، هدف و غایه همیشگی آن دولت منحرف را تشکیل میدهد.

آنچه را با تلخی باید باور نمود اینست که تحت هیچ نوع شرائطی و با هر تهدید و تغییراتی، امریکا از حمایت پاکستان، با داشتن بم اتموم و رول آن منحصت سگی محافظ در منطقه و جیره خور دایمی دست بر نمیدارد.

متأسفانه در نظرات تان برای تأمین و تضمین یک صلح پایدار، در حالیکه شرائطی را که منحصت یک افغان متعهد، دانشمند با در نظر داشت همه جوانب حیاتی ایکه برای حمایت از آینده مردم افغانستان نهایت مهم و ارزشمند تلقی میگردد، نمیتواند که با چرخش نا ممکن اصول و باور هایی که گروه طالبان طرف مذاکره «اصولا» امتحان ضدیت با آنها را داده اند، در امکان قبولی و طرح مصالحه بگنجد.

چگونه باور کنیم که در زمینه دست آورد های 18 سال اخیر، به صد ها تغییراتی که جامعه در مورد آزادی های اجتماعی از قبیل رفع حجاب، اجتماع محصلین ذکور و اناث در پوهنتون های سراسر مملکت، آزادی فکر و بیان و مطبوعات، تفکیک واقعی قواء و آزادی در تصمیم گیری قضاء، موجودیت پارلمان با آراء آزاد، مستقیم و سری، اصول وسیع و سرتاسری اجتماعات افغانی در فعالیت، کار، تجارت در هر نوع مؤسسات دولتی و خصوصی و ده ها مثال دیگر در همکاری زنان و مردان بدون فشار یا سخت گیری، محفوظ باقی میمانند.

در مورد، اینکه یک دولت اسلامی به میان آید، البته این دولت با اصول کافی آن حالا هم موجود است، ولی منظور طالبان، این تشکیل جدید نوعی از آنچه در زمان حاکمیت شان تحمیل نمودند، خواهد بود. در مورد آزادی های قانونی زنان، اصول شرعی «!؟» را نظر میدهند که حدود و ثغور آن نا معلوم است؛ مگر شریعت و فتوای جدید اینها در قرن بیستم کشتار بیگناهان و عملیات نهایت غیر بشری و ددمنشانه «انتحاری» را مجاز قرار ندادند؟ مگر اصول اسلام قتل نفس و حتی گرفتن حیات شخصی را منع نه نموده است؟!!

این جانب منحصت مهاجری دور از وطن که تا دم مرگ به افغانستان و مقدرات آن وابسته و وفادار هستم، آنچه را در سر تاسر ارزیابی و تحقیق براننده تان پیشکش نموده اید، معتقد و باورمندم؛ ولی، در شرائط تلخی که به آن مواجه گردیده ایم، کاش رویایی چنان پسندیده شامل حال مردم نهایت مظلوم و شریف افغانستان گردد. متأسفانه نظریات نیک تان در حالیکه برای ملت ارزشمند و مفید است؛ امکانات تعمیم آن در حالت موجوده به رویای دور دست شباهت دارد. امریکایی ها چنین ضرب المثلی دارند که به پیشنهادات ملی گرایانه تان نیک صدق می نماید:

.Too Good to be True

اسم: د. ص. سعیدی محل سکونت: UK تاریخ: 23.02.2019

سوله او بی وخته یا بی خایه غوښتنی!

نورو ته به حق ورکوی!

د بنځو حقوق به منی!

د میدیا آزادي به منی!

امارت اسلامي به منی!

د افغانستان اساسي قانون به منی!

او دا به منی او هغه به منی!

اتلس کاله مو ددغه مطالباتو په وړاندې کولو د افغان اولس د وینو توپډو لاملونه چاق او د جنایاتو لړۍ مو یا عمداً او یا د ناپوهۍ له وجهې اوږده کړه او زموږ چيغې او استدلال مو دغه برخه کې وانه اوږده!

د پورته خبرې منطق دا وه او دی چې دا مطالبات او غوښتنې د سیاسي مذاکراتو په وخت او محل کې هم بې وخته او هم بې محله او له سره خطا دي!

دا د مسجد د منبر له سره او د حق ویلو له فرصته د توضیحي او تئوري رسالت اداء کېدو جز کېدای شي او د حق ویل او منطق یې عامول رسالت په عام ډول او بل فرصت کې کېدای شي او دی اما د سولې د سیاسي مذاکراتو پر میز د بحث مرکز دا مطالبات گرځوا او دا مطالبات مخ ته ایښودل خطا وه، خطا دي او د جنایاتو، مرگ او ژوبلې د اوږدېدو لامل وه او دي.

دا مسایلو باندې تصمیم د ملت صلاحیت او بل وخت او بل محل لري. دا د ملت صلاحیت او کار دی چې ملت کومې نسخې ته د تطبیق مشروعیت ورکوي او هغه باید بیا عملي شي.

د بُن، د قطر او د مسکو او یا استانبول ناستو کې او یا حتی د کابل ناسته کې داسې اساسي مسایل چې د ملت په غیاب کې پرېکړه وي او تصمیم نیول وي، خطا او د منلو نه ده او نه دي!

د سیاسي واقعي ځواک جز، ځان کُل او ټول کُل او هرڅه کې خپل ځان او خپله نسخه عقل کُل کُل، حد اقل دوکه او سپین ستري او یا هم حماقت دی. پوره حماقت بیا هغه وخت دی چې نور ورته ساده او د غولېدو ښکاري.

تا له کومه مشروعیت ترلاسه کړ چې بیا هغه له نورو سره ویشل غواړي؟

د د ویشلو میکانیزم څه وي؟

که افغان ملت په یوه شفافو ټاکنو کې ستا د امارت اسلامي د جوړولو نسخه تصویب کړه نو بیا خو ستا دا طرحه د تطبیق وجیبه او ستا وړاندیز ستا ذمه واري شوه! دغه حالت کې زما سره چې امارت اسلامي سره موافق نه یم، ولې او په کوم صلاحیت سیاسي قدرت شریکولو باندې دوه سري حکومت جوړول غواړي؟

سیاسي مصالحه او مذاکره، جوړه او روغ اتحاد او اتفاق پر افکارو او نسخو او اعتقاداتو حتمي نه دی او نه دا د بحث مرکز دی. فکر، اعتقادات او د هرچا سپین او تور دي دهغه مبارک وي. د بعضو سره یې موافق یو او له بعضو سره یې مخالف او سیاسي مصالحه داهم نه ده چې تېر په تېر او خبر دی چې احمد د محمود پلار وواژه نو اوس دي ورته معافې وکړي چې سوله راشي. بې عدالتي او حق تلفي کې سوله او ریښتې مذاکره نه ده. دا کېدای شي د بل اوږده جنګ سریزه شي د عدالت تأمین ریښتني سوله او ریښتني استقرار راوستلای شي!

نو سیاسي مصالحه او مذاکره او سیاسي سوله او جوړه روغه څه ده؟

د ټولو خواوو، د ټولو افغاني خواوو پر دې توافق دی چې د هغه د نسخو د تطبیق مشروعیت د خلکو لخوا او زموږ په حالت کې د قاطع مسلمان ملت په انتخاب د قبول وړ ده.

هماغه چې د اسلامي حزب مشر اعلان کړل چې د حاکمیت نه امتیاز نه غواړم، آزادو او شفافو ټاکنو ته څو که مو وگټله حکومت کوو او که مو وگټله حکومت وکړئ! موږ د افغان مسلمان ملت اراده منو او دا مو انتخاب دی!

راځئ پر دې توافق وکړو چې بشریت په عالم اسباب کې همدا ګوډه دیموکراسي لري او له همدې نه حد اعظمي صالح استفاده وکړو او د ملت د ارادې د تمثیل زمینه ساز شو او هغې ته غاړه کېږدو. ملا، عالم، دیني مباح، روڼ اندی د ملت سره د هغه په انتخاب کې مرسته وکړو او لکه هماغسې چې د اسلام ستر پېشوا محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم د خپل ځای ناستی انتصاب نه کړ او یواځې نامزد کړ، تاسې هم د هغه ستر ناجي د بشریت لار غوره او د افغان ملت د انتخاب لپاره هر دم او هر قدم کې ممد او استقامت ورکونکی شئ.

و ما توفیقنا الا بالله!

و ما علینا الا البلاغ المبین

دوکتور صلاح الدین سعیدی

۲۳/۰۲/۲۰۱۹

۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸

**اسم: حمید انوری محل سکونت: امریکا تاریخ: 23.02.2019**

هموطن محترم و گرامی داکتر صاحب خالدي سلام بر شما!

نوښته پرېار شما را تحت عنوان "خطوط اساسی..." با دقت مطالعه کردم. آنچه شما تحت عنوان خطوط اساسی... نوشته اید، خوب میدانم که از احساسات پاک و وطنپرستانه تان نمایندگی میکند و مانند هر افغان آزاده ای که دلش برای میهن و مردمش می تپد و از حالت زار کنونی رنج میبرد، شب و روز در تلاش هستید که یک راه بیرون رفت شرافتمندانه از این مخمصه های خانه برانداز، جستجو کنید. از شما کمتر از این نیز توقع نمی رود.

شاید تعداد زیادی از هموطنان ما نظرات اصلاحی و مکمل خود را بر این طرح علاوه نمایند و شما همانگونه که تذکر داده اید، بعد از تکمیل آنرا تقدیم مقام ریاست جمهوری اسلامی افغانستان نمائید و...

اما از نظر این کمترین، مشکل اساسی افغانستان از همانجا که سرچشمه گرفته است، از همانجا باید حل و فصل گردد؛ یعنی امریکا!

حکومت دوسره کنونی ساخت امریکا است.

"طالبان کرام" نیز ساخت امریکا و انگلیس است.

کرزی و باند مافیائی و فتنه گر او نیز ساخت امریکا و متحدین است.

جنگ سالاران لنده غر و منفور عام و خاص نیز از واردات امریکا و متحدین اند

پس آنکه سر اش به تن اش بی ارزش، کدام است که در افغانستان به او مراجعه کنیم؟

این خاله گکانی های خلیزاد که چپ و راست مشغول مهمانی های آنچنانی است، فقط آن می کند که از قصر سفید دستور می گیرد.

مجسم کنید آنروزی را که امریکائی ها و متحدین از افغانستان خارج گردیده اند، طالبان و حکومت دوسره و احزاب و تنظیم ها و جنبش ها و... همه با هم صلح کرده اند و...، یکی دو سال بعد اما جنگ های قدرت طلبی دوباره اوج گرفته و دمار از روزگار مردم بدر آورده است و...، در آنزمان کی و از کجا به داد مردم مظلوم افغانستان خواهد رسید؟!!

این صلح که گدائی می شود، به منزله کلوخ ماندن و از آب گذشتن است.

از نظر این کمترین اگر امریکا واقعاً در افغانستان خواهان برقراری یک صلح شرافتمند و پایدار می بود، نخست باید تمام جنگ سالاران داخل افغانستان را بصورت عام و تام خلع سلاح میکرد و خنثی می نمود و بعد هم یک فشار شدید اقتصادی- نظامی بالای پاکستان وارد میکرد و در نتیجه طالبان را چنان در یم مضیفه بزرگ می گذاشت که جهت رسیدن به صلح حاضر به هرگونه شرايطی می شدند و نیز حکومت دو سره را یک سره می ساختند، اما حالا هیچکدام عملی نشده است و نه می شود.

جهت رسیدن به یک صلح واقعی، ضرور است که نخست توازن جنگ برهم بخورد، بعد صلح به پای خود می آید.

فقط یک نظر عاجزانه بود تا چه قبول افتد و چه در نظر آید!